**مصاحبه با APrivateKabul180718**

**مصاحبه خارج از محل کار – از محل کار برای این مصاحبه بازدید صورت نگرفت**

**تاریخ 18 جولای 2018**

ک: سوال اولم این است که وظیفه ی شما چیست در شرکت؟

APrivateKabul180718: خودم رییس شرکت هستم.

ک: پس تصمیم گیرنده ی اصلی در شرکت شما هستید؟

APrivateKabul180718: بله.

ک: شرکت چی تعداد کارگر دارد؟

APrivateKabul180718: برای فعلا شرکت به طور مستقیم ده کارگر داره.

ک: ده کارگری که در شرکت کار می کنند به گونه ی مقطعی هستند یا..[قطع]؟

APrivateKabul180718: نی. دایمی هستند.

ک: در اول ماه معاش می گیرند؟

APrivateKabul180718: در آخر ماه. قراردادهای ما یک ساله است. پرمننت ورکر [permanent worker] هستند.

ک: شرکت چگونه تولید می کنه؟ مستقیم با دست تولید می کنه؟ ماشین است که دست انسان او ره ده کار می اندازه؟

APrivateKabul180718: از ما پنجاه فیصد است. به حساب، مکسش و مرحله ی اولش همراه ماشین آلات میشه و مرحله ی دوم، به حساب پیکنگ [packing به لهجه پاکستانی] با دست میشه.

ک: نرخ حد اوسط یک کالای تولیدی شما چند است در کابل؟ یک، به اساس کارتن می فروشید؟

APrivateKabul180718: ما به اساس کارتن می فروشیم. بله.

ک: یک کارتنش باز چند تا داره؟

APrivateKabul180718: یک کارتنش دوازده دانه.

ک: درست. چند می فروشید یک کارتن ره؟

APrivateKabul180718: ما دو رقم تولید داریم. یکیش ده خانه های چهار صد افغانی است، دیگرش پنج صد افغانی.

ک: برای تولیدتان کدام برنامه ی تولیدی دارید که به اساس یک برنامه بگویید که، فرض کنیم، در این فصل تولیدی ما این قدر تولید می کنیم، ده گدام می مانیم، خریدار پیدا شد یا نشد [فرق نمی کنه]، یعنی اعتبار بالای مارکیت به آن حد باشه که شما پیش تولید کنید یا این که به اساس سفارش تولید می کنید؟

APrivateKabul180718: نخیر نی. به اساس، ما ستوک داریم در گدام. دایم داشته می باشیم چون اوردر [order] کستمرها [customer] عموما آدم نمی توانه پیش‌بینی گرده باشه. مجبور است که یک چیزی ستوک در گدام داشته باشه.

ک: اما معمولا به چی شکل است؟

APrivateKabul180718: معمولا ما ستوک می داشته باشیم.

ک: همه روزه تولید می کنید.

ک: خریدارهایتان دایمی استند یا تغییر می خورند؟ کس های که سفارش می دهند؟

APrivateKabul180718: مه اکثرا مشتری های که داریم دایمی است.

ک: به چی اساس می فروشید؟ نقد می فروشید؟ اوگرایی می فروشید؟

APrivateKabul180718: اکثرا معاملات ما هم نقد است. بعضی مشتری های ما که همراه ما سابقه ی کاری دارند کمی گذشت داریم همراه آنها.

ک: به چی اساس، چگونه اعتماد می کنید بالای کسی که...؟

APrivateKabul180718: خب، اعتماد کردن فعلا مشکل است. ما یگانه موضوعی که می توانیم بالایش اعتماد کنیم همین است که سابقه ی کاری داشته باشیم. پیش ما به شکل یک [نامفهوم] همراه ما شروع و ختم کرده باشه.

ک: پس بیشتر به شکل نقد است کارتان؟

APrivateKabul180718: بیشتر نقد است.

ک: در اول که تأسیس کردید شرکت ره، سرمایه ی اولیه کمک دولت به شما رسید، یا این که کدام نهاد غیردولتی به شما کمک کرد، یا این که پول کاملا خصوصی بود، یا این که اعضای جامعه جمع شدند گفتند که شما تصمیم دارید شرکت ایجاد کنید و آنها آمده باشند که کمک کنند؟

APrivateKabul180718: نخیر ما هیچ نوع کمکی از هیچ نوع نهادی نداشتیم. نی از دولتی نی از [قطع]

ک: قرضه ی بانک هم نگرفتید؟

APrivateKabul180718: [ادامه پاسخ قبلی] نی از غیردولتی. نی از بانک! ما با پول کم، با همان قدر پولی که داشتیم به حساب، جوینت فامیلی [joint family] است دیگه به حساب.

ک: در جریان کارتان هم، در جریان تولید هم از کدام بانکی قرضه گرفته باشید؟

APrivateKabul180718: نخیر نی. تا هنوز قرضه نگرفته ایم.

ک: ارزش دارایی های شرکت ره ده چی حد است؟ ده چی حد شما سرمایه گذاری کرده اید؟

APrivateKabul180718: سرمایه گذاری اولیه ره میگین یا فعلی ره؟

ک: فعلا ده چی حدی است شرکت؟ ارزش کلی

APrivateKabul180718: ارزش کلی به حساب افغانی اگر بگیرین، قرضه ای که سر مردم داریم و تمام ماشینری، شاید در حدود پانزده الی بیست لک افغانی شوه. که در حدود [به دالر]؟

APrivateKabul180718: 35 الی 40 هزار دالر شاید شوه.

ک: معاش کارگرها باز چند است؟

APrivateKabul180718: معاش کارگرها فرق می کنه. از هشت هزار تا سیزده هزار.

ک: بیشترشان چند است؟

APrivateKabul180718: بیشترشان از ده بالاست.

ک: با شرکت شامل کدام اتحادیه ی صنعتی است؟ اتحادیه تجاری؟

APrivateKabul180718: اتحادیه تجاری، جواز خو داریم به حساب از وزارت تجارت که به حساب صنعتکارها میشه. تا فعلا عضوت انجمن ره نگرفته ایم. در پلان است که بگیریم.

ک: وقتی نو تأسیس می کردید شرکت ره کدام نهادی، کدام نهاد دولتی در قسمت این که [مزاحمت] کدام نهاد دولتیِ به شما گفت که افغانستان در این بخش نیاز دارد، شما در این بخش تولید کنید. یا فرضا کدام معلوماتی در قسمت سرمایه گذاری، یا بازار به شما داده باشه؟

APrivateKabul180718: نخیر نی. هیچ نهادی فعلا مارکیت سگمنتیشن [market segmentation] نکرده برای ما که بگویه مثلا در این سکتور شما می توانید سرمایه گذاری کنید یا این "این سکتور بهتر است". ما به حساب به همو سمگنتیشنی که از مارکیت داشتیم خود ما اقدام کردیم.

ک: چند سال است شرکت فعال است؟

APrivateKabul180718: شرکت در حدود [تردید] شاید شش سال شوه.

ک: این بخش بیشتر بالای شما می پردازه، به عنوان رییس شرکت [مداخله]

APrivateKabul180718: یک بخشش تمام شد [با شوخی]؟

ک: [بله] یک بخشش تمام شد.

ک: در وقت فراغت شما چی می کنید؟ وقتی که کار کاملا تمام میشه؟ برای ساعتیری – ساعتتیری میگیم به اصطلاح عام – چی عادت هایی دارید، چی می کنید؟ همراه دوست ها می بینید؟ چی می کنید؟

APrivateKabul180718: اکثرا، خودم شخصی آرام هستم. اکثرا اوقاتی که بیکار می باشم ده مطالعه تیر می کنم. اکثر باز روزهای جمعه تایم های فری [free time] ما می باشه باز همراه دوست ها میرویم به میله و چکر.

ک: قبلا هم عین عادت ره داشتید؟ پیش از این وارد کار تولید شوید؟

APrivateKabul180718: بله. بله. چون این یک روتین [routine] است. روز جمعه در افغانستان رخصتی است. دیگه روزها رخصتی نمیداشته باشیم. تمام پروگرام خوده ده همو روز عیار می کنیم.

ک: کجاها میروید مثلا برای چکر و تفریح؟

APrivateKabul180718: اکثرا همین [تردید] ولایت ها نمیشه گفت، ولسوالی های نزدیک کابل. پغمان و این طرف شمالی و اینجاها.

ک: یک فامیل دارید یا چند فامیل؟ منظورم یک بار ازدواج کرده اید یا؟

APrivateKabul180718: تا فعلا که یک بار ازدواج کرده ام.

ک: آیا گاهی کتاب هم می خوانید؟

APrivateKabul180718: بله ها.

ک: چی نوع کتاب هایی را مطالعه می کنید؟

APrivateKabul180718: رشته خودم حقوق است. کتاب های حقوقی.

ک: موسیقی چی قسم موسیقی گوش می دهید؟

APrivateKabul180718: موسیقی دیگه ربط می گیره به حالت. حالت های که مثلا آدم یک کم ذره...[مداخله]

ک: مثلا موسیقی غربی می شنوید، موسیقی ...؟[زنگ و توقف مصاحبه]

ک: هند و

APrivateKabul180718: افغانی

ک: افغانی [درست].

ک: در اجتماعی که زندگی می کنید شما، محیط و ماحول، یک تصویری شما از خود دارید یا در جامعه در کل – از لحاظ مالی، نه از لحاظ ارزشی. از لحاظ ارزشی همه خود را در یک سطح فکر می کنیم. از لحاظ مالی شما خوده در چی سطحی می بینید؟

APrivateKabul180718: [تردید و مکث طویل] خو سطح!

ک: یعنی شما [مزاحمت] از لحاظ مالی شما خود ره در جمع اعضای پولدار جامعه حساب می کنید، اعضای متوسط حساب می کنید؟ اعضای، در جمع کس های که محتاج معاش هستند که تا آخر ماه مصرف شوه؟

APrivateKabul180718: اگر کدام کتگوری دیگر در بینِ محتاج و متوسط باشه، ما در همو کتگوری هستیم دیگه! نی به حساب معاش است و نی متوسط گفته می توانیم. در بین هردویش.

ک: در بینِ طبقه پولدار و مرفه و طبقه متوسط؟ [اینجا مصاحبه گیرنده اشتباه شنیده است]

APrivateKabul180718: بله ها. [ببخشید] مرفه یعنی چی؟

ک: مرفه یعنی درآمدتان اندکی بیشتر از حد مصرفتان است.

APrivateKabul180718: همین صحیح است. ها.

ک: یعنی مرفه استید؟

APrivateKabul180718: خوب است [پاسخ نامطمین] تا فعلا نی. فعلا شرایط قسمی آمده که همان قدر میشه که معاش کارگرها و مصرف خود ما برآیه. پس انداز چیزی نیست.

ک: مردم تصورشان چیست؟ مردم چی فکر می کنند که؟

APrivateKabul180718: تصور مردمه خو اکثرا نمی فهمم شاید [تردید] این باید از مردم پرسان شوه!

ک: نی [منظورم این که] شما یک تصور ...رفتار مردم ره دیده اید که نسبت به شما چی فکر می کنند؟

APrivateKabul180718: طبعا [تردید] مه یک عادت دارم که ده هر سطحی که باشم رفتار و کردارم همراه همه یک نواخت است. چون رفتار که یکنواخت بود پس همین طور عکس العمل مقابل هم میباشه. چیزی تفاوت نی ده خود دیدیم نی ده مردم.

ک: قبل از این که وارد کار تولید شوید چی کار می کردید؟ مصروف چی کار بودید؟

APrivateKabul180718: دوکان داشتیم در مندوی.

ک: پس هیچ گونه تغییری نخورده رفتار مردم نسبت به شما؟ شما ره فکر نمی کنند که پیسه دار شدید؟

APrivateKabul180718: نی. نی تفاوت نمی کنه. از نگاه پولی – چیزی تفاوت نداره. همو چیز رفتار و کردارم بود، همو چیز است.

ک: تحصیلاتتان در چی حد است؟

APrivateKabul180718: حقوق خوانده ام. در بخش قضا و سارنوالی.

ک: اگه وقتش را داشته باشید از اینها کدامش را انجام می دهید: مثلا به یک نمایشگاه هنری می روید، به محفل مشاعره می روید، به محفل کتابخوانی ترجیح می دهید بروید؟ یا این که می خواهید به قرغه بروید، به حوض آببازی می خواهید بروید، یک ورزش رزمی بازی می خواهید کنید، بیلیارد می خواهید بزنید، با دوست ها بروید به رستورانت؟ یا برای هیچ یک پول کافی ندارید؟

APrivateKabul180718: چند گزینه می توانم انتخاب کنم؟ یک تا؟

APrivateKabul180718: دو گزینه اول ره ترجیح می دهم. نمایشگاه و، دیگرش چی بود؟

ک: محفل مشاعره!

APrivateKabul180718: بله، محفل مشاعره. چون کم و تم طبع شعری هم دارم.

ک: فعلا در کدام نقطه شهر زندگی می کنید؟

APrivateKabul180718: در قوای مرکز.

ک: قبلا در کجا زندگی می کردید؟

APrivateKabul180718: خیلی وقت میشه همینجا هستیم. تقریبا 25، 30 سال میشه که همینجه هستیم.

ک: اطفال به مکتب خصوصی می روند یا دولتی؟

APrivateKabul180718: نی، دولتی هستند.

ک: کدام مکتب می روند؟

APrivateKabul180718: پیش خانه ی ما یک مکتب است به نام [نام مکتب].

ک: اول که شرکت ره ایجاد کردید طبعا یک آدم یکه و تنها نمی توانه شرکت ایحاد کنه. کی ها به شما کمک رساندند؟ اعضای فامیل کمک رساند؟ دوست ها و رفیق ها کمک کردند؟

APrivateKabul180718: طبعا، در اول گفتم بزنس، بزنس فامیل بود. جوینت فامیلی است.

ک: اعضای فامیل کمک کردند پس؟

APrivateKabul180718: بله ها، اعضای فامیل کمک کردند.

ک: فعلا چند موتر دارید؟

APrivateKabul180718: موتر یک دانه.

ک: سابق چند تا داشتید؟

APrivateKabul180718: سابق هم یک موتر داشتیم.

ک: مودلش چیست؟

APrivateKabul180718: سرف است، 2000 [مداخله و توقف]

ک: انگیزه ای که شما بخش شوینده ها ره انتخاب کردید چی بود؟ چرا یک بخش دیگری ره انتخاب نکردید؟

APrivateKabul180718: دو دلیل وجود داشت که بخش شوینده را انتخاب کردیم. اول مه، چون خلاف رشته است، خودم رشته حقوق می خوانم، و این برای مه یک بخش اقتصادی است. لیکن در سمستر دوم چون در دانشگاه [واژه‌ای که اغلب فارسی زبان ها به کار می برند] شروع کرده بودم، مبانی اقتصاد یک مضمون داشتیم. در آنجا عرضه و تقاضا و ضرورت و خودکفایی از موضوعاتی بود که در همانجا خواندم و یک انگیزه برایم پیدا شد که چرا می نتوانیم که تا حد امکان، به همان قدر پولی که داریم، در عرصهِ تولید داخل شویم و در خودکفایی کشور سهیم باشیم. در هر سکتور که گشتیم، یگانه سکتوری که میشد با پول کم شروع کرد، و پول ما کفایت می کرد، در همین بود. هدف اصلی [تصحیح توام با تردید] همین بود که در همین سکتور شروع کردیم کاره ره.

ک: برای ایجاد شرکت معلوماته برایتان کی داد؟ در قسمت دسترسی به ماشین آلات و اینها؟

APrivateKabul180718: چون در مراحل اولیه مشکلات خاص خوده داشتیم. بعدا بعضی دوست هایی که در همین کار تجربهِ کاری داشتند و می فهمیدند از آنها پرسان کردیم.

ک: این دوست ها کی بودند؟ در چی؟

APrivateKabul180718: همو شرکت [مالک یک شرکت دیگر]

ک: درست!

APrivateKabul180718: از او هم آیدیا گرفتم. از هر شرکتی مقصد کم کم از هر کسی آیدیا گرفته، کم کم خودم تجربه حاصل کردم، فعلا در یک مقطعی رسیده ایم دیگه.

ک: گفتید [با خنده] موترتان سرف است؟

APrivateKabul180718: بله ها.

ک: قبلا هم عین چیز بود؟

APrivateKabul180718: [پاسخی با لحن نامطمین و دوپهلو] تغییر و تبدیل میشن دیگه! مودلش بالا نمیشه که به حساب بالا شوه. مقصد در همو حدی که یکیش استهلاک میشه، باز دیگرش ره می گیریم.

ک: چند بار حج رفته اید؟

APrivateKabul180718: متاسفانه تا به حال نرفته ام.

ک: [خنده] نرفته اید؟!!

APrivateKabul180718: نی نرفته ام!

ک: سفر اگر بروید برای تفریح، کدام کشورها می روید بیرون از افغانستان؟

APrivateKabul180718: برای تفریح دیگه ترجیح مه هند ره میتم. نزدیک هم است و ارزان هم است و ویزه اش هم به آسانی به دست می آیه. سهولت هایش هم بیشتر است و لسانش ره هم می فهمم.

ک: پس سابقه ای نداشتید در بخش شوینده ها، قبلا کار نکرده بودید [در این بخش]، اصلا نو بودید که امدید؟

APrivateKabul180718: بله، نو بودیم که آمدیم.

ک: چند باب خانه دارید؟

APrivateKabul180718: خانه یک تا است. همین که گفتم که در قوای مرکز است.

ک: دوست های که با ایشان روابط دارید، روابط نزدیک، می روید به چکر اگر وقت فراغت دارید، چی رقم آدم هایی هستند؟ شامل کدام ...؟

APrivateKabul180718: اکثرا دوکاندار هستند. دوکاندار هستند و محصل هستند.

ک: دوکاندارهای که قبلا در مندوی یکجا کار می کردید؟

APrivateKabul180718: بله بله. بله همونها هستند. بعضی همسایه های منطقه هستند. بعضی دوست ها طفلیت هستند. همین ها است.

ک: وارد شدن در کار تولید در روابط اجتماعی شما چی تغییراتی آورده؟

APrivateKabul180718: قبلا گفتم، روابط ما یکسان بوده با مردم. تفاوت خاصی نیامده. همو چیز است.

ک: منظورم از ...

APrivateKabul180718: بعضی شرکت ها که، بعضی افرادی اول جامعه باشند، است ولی آنطور هم ده سطح بالا نی، بسیار کم. همان قدر که در بخش کاری ما است.

ک: دوست ها که در بخش صنعت مصروف باشند، تعداد اینها کمتر شده، زیادتر شده؟

APrivateKabul180718: طبعا که دوست ها که در بخش صنعت هستند، در صنعت شوینده باب پیدا کرده ام. دوست های که مثلا با ما همکاری می کنند. مواد از پیش شان می خریم.

ک: دوست منظورم رفیق است. کسی که مثلا وقت داشته باشید برایش زنگ بزنید بروید چکر.

APrivateKabul180718: نی او رقمی دوست نداریم [از بین صنعت کارها؟]. فقط دوست ها تجارتی دیگه. تنها تا حد تجارتی دگه. کلوز فریند [close friend] نداریم به حساب تجارت. همو سابقه ای که بود [کلوز فریند] همونها هستند.

ک: مسایل امنیتی چی گونه بالای کار تولید شما تاثیرگذار بوده؟ کدام سالی است که؟

APrivateKabul180718: مسایل امنیتی خیلی تاثیرگذاری می باشه سر [مداخله]

ک: به چی شکلی مثلا؟

APrivateKabul180718: مثلا، بعضی وقت ها، خدای ناخواسته اگر یک انتحاری میشه، بعد از انتحاری یک ماه، چهل روز بازار خراب میشه. یا بعضی مظاهراتی که فعلا جریان داره، همین ها باعث میشه که بازارها بسته شوه. چون بازار اصلی کابل وابسته به ولایات است، که ولایات ناامن بود که ولایات به حساب هرج و مرج بود، مشتری ها نمی آیند کابل. فروش ما هم کم می باشه.

ک: این طور کدام سالی در ذهنتان است که به گونه ی واضح وضعیت امنیتی خراب شده باشه؟ کدام سال مشخصی؟ شما گفتید که شش، هفت سال است که فعال هستید؟

APrivateKabul180718: سال دقیق؟

ک: کدام سالی که [مداخله]

APrivateKabul180718: سال دقیقش یادم نیست لیکن تا وقتی که مه می فهمم هر سال از سال قبل بدتر بوده. خوب نشده هیچ چیزی.

ک: قبل از سال 2014 چی رقم بود وضعیت؟

APrivateKabul180718: قبل از 3014 بهترتر بود. چون بعد از این که همین 2014 رسانه ای شد گپش که مثلا بعضی گپ هایی که به حساب سیاسی بودند، بازارها بعد از او کم کم رو به رکود مواجه شد. چون که ارزش پول کم شد در بازار.

ک: در صنعت شما هم تاثیرگذار بوده این؟

APrivateKabul180718: طبعا. تنها به تجارت ما نی در کل همراهش مشکلات داریم. چون گردش پول در بازار کم شد خودش فقره به بار می آوره.

ک: شما گفتید به اساس یک تقسیم اوقات شما تولید می کنید. ظرفیت تولیدی تان چقدر است؟ چند کارتن می توانید تولید کنید در ...؟

APrivateKabul180718: ظرفیت تولیدی ما در بیست و چهار ساعت 150 کارتن است.

ک: فعلا چقدر تولید می کنید؟

APrivateKabul180718: ما فعلا تولید ما شاید در حدود 80 الی 100 کارتن باشه.

ک: وقتی هم شده که حد اکثر تولید ره داشته باشید؟

[نامفهوم ...شاید "تا حال نه!"]

ک: در این سال ها، کدام سال کمتر شده؟ کدام سال ها نسبت به سال قبل کمتر شده سطح تولید؟

APrivateKabul180718: کمتر خو نشده چون در عرصه تولید ما خواستیم که بزرگتر بسازیم. کم نشده. لیکن بالا شده میره اما نه به حدی که زیاد باشه. کم کم. فیصدی مثلا سالانه یک فیصد، دو فیصد، همین طور بالا میشه. رُشد اقتصادی کلان نداشته ایم در عرصه ی فروش.

ک: بیشترین تعداد کارگری که شما استخدام کرده اید چی تعداد کارگر بوده؟

APrivateKabul180718: بیشترینش همین فعلا است. از یک کارگر، دو کارگر شروع کرده بودیم در اول.

ک: تصمیم گیری در شرکت به چی اساس صورت می گیره؟ متمرکز است؟

APrivateKabul180718: نخیر نه. با مشوره صورت می گیره.

ک: مشوره باز الزامی است؟ مثلا، در باره مصارف کلان – فرض کنید شما یک ماشین می خرید یا این که ده افغانی درآمد دارید این ره می خواهید توزیع کنید. این ره، مشوره کی برای شما مطرح است؟

APrivateKabul180718: خُب، موضوعات فرق می کنه در کل. مشوره ها که مربوط به کار و تولید و این گپ ها که شود، آنها ربط می گیره به مشوره های کلی که ما میداشته باشیم. به حساب کس های که در همو پوست های که هستند، مشوره گرفته میشه که چی به مفاد شرکت است، چی به ضرر شرکت، و چی تصمیم باید گرفته شوه. تصمیم کلی می باشه و تک فردی نیست.

ک: چند نفر در تصمیم شرکت داره؟

APrivateKabul180718: در تصمیم شرکت شاید پنج نفر سهم داشته باشه.

ک: پنج نفری که کارگر هستند در شرکت؟

APrivateKabul180718: کارگر هم کار می کنه.

ک: در باره تصامیم کلان هم این کس ها – فرض کنیم – شما در قسمت توزیع درآمد از همین پنج نفر مشوره می گیرید یا؟

APrivateKabul180718: توزیع مفاد دیگه شاید همراهِ چهار نفرشان [پاسخ های سرسرکی].

ک: مشوره می گیرید؟

APrivateKabul180718: بله. مشوره گرفته و توزیع منصفانه که چقدر به کی داده شوه.

ک: در یک ماه چند بار شرکت؟

APrivateKabul180718: ما دو جلسه داریم در یک ماه.

ک: به کارکن ها، به شاگردها به غیر از معاش چی سهولت های دیگه ارایه میشه؟

APrivateKabul180718: سهولت های رخصتی خو هر کدام میداشته باشند. در پهلوی او بعضی هفته ها بخششی هم میداشته باشند. در نزدیکی عید و برات و نوروزی بخششی دیگه هم داریم.

ک: سه وقت نان؟

APrivateKabul180718: بله، نانشان است. نانشان، آب سرد، آب گرم، حمام، درای کلینیننگ [cry cleaning] اینها کلشان شامل میباشه.

ک: آنها شامل کدام اتحادیه ای هستند که برای حق آنها کار کنه؟

APrivateKabul180718: اتحادیه کارگران فکر کنم در افغانستان نیست و اگر است هم، فعال نیست.

ک: استخدامشان چی رقم است؟ کارگرها چی رقم می آیند؟ به اساس[مداخله]

APrivateKabul180718: به اساس لیاقتشان و شایستگی است.

ک: اولین نفری که مثلا، یک کسی می آیه – فرضا، شما کارگر ضرورت دارید به دو، سه نفر. این ره چی رقم به دست می آورید؟

APrivateKabul180718: بخش HR می باشه که پرسان می کنه که چی رقم چی رقم نیس. لیکن در کل ما پوس [واژه ی نامفهوم] ضرورت می داشته باشیم. مثلا ما در پوست ضرورت داریم درایور. درایوری که می آیه ما اولین کاری که می کنیم لیسانس‌اشه پرسان می کنیم. بعد از او تجربه کاری اش ره پرسان می کنیم که چی رقم موتر ره می توانه دریوری کنه مثلا. طرز مثلا، در بخش پیکینگ [به لهجه پاکستانی] یا در بخش مارکتنگ نفر کار داریم. تجربه کاریشان پرسان میشه که مثلا سواد داره نداره. اگر سواد داره تا کدام حد داره. از این قبل به حساب مارکتنگ جایی کار کرده یا نکرده. تجربه کاریشه که دیدیم و برخورد خود نفر ره دیده که چی رقم است. در انتریو چی رقم ظاهر میشه، کل این فکتورها است. بعد از اینها به یک نتیجه می رسیم.

ک: منظور این که کسی دیگر به شما معرفی می کنید یا شما [مداخله]

APrivateKabul180718: نخیر نه. ما اکثرا صفحه داره. از طریق صفحه به نشر می گذاریم.

ک: صفحه ای؟

APrivateKabul180718: صفحه ی فیسبکی.

[زنگ به مصاحبه دهنده و توقف]

ک: در قسمت تصمیم گیری شما گفتید مشوره می گیرید، همراه دیگر اعضای شرکت. ماهی دو دفعه نشست دارید؟

کس های که در تصمیم گیری سهم دارند همه از افغانستان هستند؟

APrivateKabul180718: بله کلشان افغانستانی [واژه ی خاص فارسی زبان ها] هستند

ک: با دیگر شرکت های که در عین صنعت مصروف هستند هم شما شامل کدام رابطه ای هستید؟ روابط دارید؟

APrivateKabul180718: روباط مستقیم نداریم که مثلا در عرصه ی تصامیم شرکت دخیل باشند. اما روابط کاری داریم. مثلا جنس می گیریم، یگان مجالسی که می باشه از طرف انجمن. همین گونه روابط است.

ک: بیشتر توضیح بدهید که چی رقم مثلا روابط تان – مثلا در مارکیت به چی گونه است روابط تان؟ تولید دارید، تولیدات آنها با تولیدات شما رقابت می کنه، نمی کنه؟

APrivateKabul180718: خوب، طبعا با هم مسلک های خود ما رقابت سالم داریم. می بینیم که رقیب ما که هر کسی که است کدام پیکنگش در کدام نرخ است و چی کوالتی داره. ما مجبور هستیم که [اجناس خوده توافق دهیم]. این روندِ مارکیت همین است که رقیب خوده باد در باره اش یک چیز [نامفهوم] داشته باشی تا بتوانی به حساب کیفیت و کمیت رقابت کنی.

ک: پیشتر گفتید که شما در بخش مارکتنگ و به بخش های مختلف نفر استخدام می کنید. این ده نفری که شما یافتید، ده نفر کارگر، این شامل کس های دیگر هم میشه؟ شامل دلوری [delivery] می کنند و [مداخله]

APrivateKabul180718: بله ها. یکی، دو نفرش به حساب چی است.

ک: [تأییدی] بازاریابی است!

APrivateKabul180718: [بله] بازاریابی است.

ک: با خود کارگرها برای توزیع مفاد چند بار در یک ماه مشوره می گیرید؟

APrivateKabul180718: مفادِ چی قسم مثلا؟

ک: مثلا شما فرض کنید صد کارتن فروش داشتید، صد افغانی مفاد کردید، در این رابطه هم همراه کارگرها، همراه [مداخله]

APrivateKabul180718: شرکت ما به حساب کلکتیف نیست. به حساب لمیتد است. ما کارگرها ره استخدام می کنیم بنا بر معاش. باز بعضی مزایای دیگری که است او بعدا داده میشه. به حساب مفاد در شرکت ما دخیل نمی باشند.

ک: در قسمت دسترسی به کمک های دولت، گاهی – با کدام نهاد دولتی شما بیشتر در ارتباط استید در این قبال؟

APrivateKabul180718: هیچ کدام! از طرف دولت با ما تا به حال هیچ نوع همکاری صورت نگرفته.

ک: در قسمت تعرفه و این حرف ها؟

APrivateKabul180718: یک سان بوده، تفاوتی نداشته هیچ.

ک: شما با دولت به خاطر این که نرخ واردات بالا برود یا این که رقابت به شما آسانتر شوه؟

APrivateKabul180718: اگر چه دولت در عرصه مواد خام که وارد میشه تعرفه یشه چیزی پایین آورده. دیگه همکاری خاصی دیگری نداره دولت.

ک: از این قبیل، کارهای دیگری که کرده چی بوده؟ غیر مستقیم؟

APrivateKabul180718: فعلا مثلا گفته اند که در تدارکات 25 درصد باید از تولیدات داخلی استفاده شوه. لیکن دسترسی به تدارکات خیلی مشکل است برای شرکت های که یک قلم جنس تولید می کنند. تدارکات، در وقتی که به حساب اوفرشان [offer] می آیه، سی، چهل قلم است و مواد شوینده شامل همین 30، 40 قلم است. حال یک شرکتی که مثلا، به حیث یک تولیدکننده مه نمی توانم که 39 قلم دیگرش ره هم بدهم. مجبور میشم که به حساب از او اوفر تیر شوم. اوفرها، تک-اوفر نیستند که مثلا بگویند این قدر کار داریم، صابون این قدر، شامپور این قدر، یا مثلا چوکی این قدر، که علیحده علیحده کسی که در راس تولید چولی است برود چوکی اش ره بده، کسی ده شامپویش است، شامپویشه بده. این گونه نیست. کلی است.

ک: با جامعه مدنی چی ارتباط دارید؟ کدام نهادهای غیرانتفاعی، کدام رابطه ای است؟ رابطه ی مالی؟

APrivateKabul180718: چون مه قبلا برایتان گفتم که اصل رشته ی مه حقوق است. همراه نهاد است، نهادهای اجتماعی که ولنتیر [volunteer]، رضاکارانه در بعضی محاکم تمثیلی، بعضی حکمیت های تجاری، محکمه جزای بین الملل است، محکمه منع خشونت علیه زن ها است، در این عرصه ها همکاری داشته ام.

ک: منظورم کمک نهادهای غیرانتفاعی در قسمت رشد صنعت شما!

APrivateKabul180718: در رشد صنعت در کل این طور اثر چشم گیری نداشته اند. فقط توانسته اند کمپین حمایت از تولیدات ملی، یا همین گونه کارها ره بکنند.

ک: یا شما رابطه ی همراه جامعه، همراه مجتمعی که دارید، در قسمت، از محل مردم، از شورای محلی، به شما کدام مشوره ای داده باشه، به شما کمکی رسانده باشه؟

APrivateKabul180718: نخیر، چنین چیزی نشده.

ک: از شما تقاضای کمک کرده باشه؟

APrivateKabul180718: تقاضای کمک خو طبعا از ما میشه از هر نهادی. تا حد امکان ببینیم چیزی که در پالیسی شرکت است کمک می کنیم.

ک: رسیدیم به بخش آخر. این طور وقتی هم شده که در جریان همین شش، هفت سالی که شما فعال بوده اید، احساس کرده باشید که کار تولید دیگر با صرفه نیست، دروازه اش ره بسته می کنیم، می رویم به یک کار دیگر می پردازیم؟

APrivateKabul180718: خب، شرایط بعضی وقت انسانه وادار میسازه که چنین تصمیم ره بگیره. ولیکن چنین تصمیم احساسی اس، که همو دقعه می بینی که همین طور یک احساس منفی برایت رخ میده، همین طور یک تصمیم ره می گیری. لیکن جدی که صد فیصد بخواهم چنین کاری بکنم، نکرده ام.

ک: دلیلش چی بوده؟ با وجود که، با وجود موانعی که در کابل است.

APrivateKabul180718: خب، باز چند گپ است. یکی خو مثلا، یک تخمه که ده زمین می کاری، تا هفت ساله او به درخت تبدیل میشه، هیچ وقت نمی خواهی که با تبر درخت هفت سال تربیه کرده گی خوده با تبر بزنی. طبعا در این مدت شش، هفت سالی که ما آمده ایم، کار کرده ایم، زحمت کشیده ایم، بسیار مشکلاته پشت سر گذاشته ایم. نمی توانیم به یک باره گی دروازه ی فابریکه ره بسته کنیم. دیگه، یک احساس وطندوستی که ما داریم، همین است [که نمی گذاره ببندیم]. می گویم که اگر ما نسازیم همین وطن ره کی می سازه؟ تا به کی؟ مثلا مه رفتم، او رفت، دیگه رفت. تا به کی همین سلسله جریان داشته باشه؟ به حدی بتوانیم تاثیر خوده داشته باشیم.

ک: برعلاوه جنبه اخلاقی اش که در قسمت کسی عاطفه نسبت به مملکت است و کسی هم بستگی ... جنبه ی مالی اش هم مهم است. مثلا اگر یک صنعت باصرفه نباشه آدم مجبور میشه بسته اش کنه. شما چی امیدواری و چی انگیزه ای باعث شده که این ره پابرجا نگه کرده اید؟

APrivateKabul180718: اصلا آدم که ببینه زندگی با امید وابسته است. امید ما همین است که یک روز نی یک روز باید خوبتر شوه. در مدت همین چند سالی هم که بوده ما حد اقل توانسته ایم که عواید زندگی خوده از همی کار خود برآورده بسازیم. گر چه که برای ما سیفنگ [saving، تکرار حرف قبلی برای تظاهر با کمداری] نشده که یک سفینگ علیحده داشته باشیم. ما گفتیم که همین فعلا کفایت می کنه. در همین شرایط که مثلا یک نفر همو مصرف روزگار خوده پیدا بتوانه و دستش [نامفهوم].

ک: بازاریابی و فروشات شما بیشتر در کدام شهر میشه؟

APrivateKabul180718: ما از کابل شروع کردیم. فعلا پروان، مزارشریف، سمنگان، تخار و بدخشان و خود کابل.

ک: بیشتر در کدام شهر است؟

APrivateKabul180718: بیشتر کابل است.

ک: آخرین باری که بالای توسعه شرکت پول مصرف کردید کدام وقت بود؟ مثلا یک ماشین نو خریدید یا تعداد کارگرها ره بالا بردید

APrivateKabul180718: شاید یک ماه قبل باشه.

ک: چی خریدید؟

APrivateKabul180718: همین ماشین بود که به حساب مواد ره انتقال می داد و یک کارگر هم پانزده روز پیش استخدام کردیم.

ک: نظرتان بالای این که پول مفاد ره بالای خود شرکت مصرف کنید چی است؟ به جای مصرف شخصی.

APrivateKabul180718: اکثر، ده شخصی به اندازه مصرف می گیریم. پول اضافی نمی آیه که او ره سیفنگ کنیم و او ره شخصی مصرف کنیم. همون قدر میشه که از خودش در خودش شوه.

ک: مفاد شما چقدر است از یک کارتنی که می فروشید؟

APrivateKabul180718: مفاد ما خیلی کم است. کارتنی شاید بیست افغانی باشه. در هر کارتن بیست افغانی [که به این حساب شرکت در روزی 2000 درآمد داره! این درست بوده نمی توانه]

ک: مواد خام چی؟ مواد خامی که شما می گیرید از کجا؟

APrivateKabul180718: ما از پارک های صنعتی مواد خام می گیریم.

ک: پیش زمینه ره از پارک های صنعتی می گیرید؟

APrivateKabul180718: بله ها. مواد خام ره مکمل از همینجه می گیریم.

ک: به شمول پلاستیک و [مداخله]

APrivateKabul180718: کل چیزه. واردات نداریم ما چون به حدی نرسیده ایم که بتوانیم وارد کنیم.

ک: مواد خام در همینجه تولید هم میشه؟

APrivateKabul180718: نخیر نی. آنها از بیرون می آورند. ما از آنها دست دو می گیریم.

ک: بوتل و سرپوش و [مداخله]

APrivateKabul180718: کلش در همینجه جور میشه. اکثر، تقریبا 90 چیزها همینجه جور میشه. بوتل همینجه جور میشه، کارتن همینجه جور میشه، تولید میشه، سرپوش از خارج می آیه، لیبل همینجه جور میشه، اکثر چیزهایش همینجه تولید میشه.

ک: فقط همون موادی که [مداخله]

APrivateKabul180718: موادی که جور میشه از خارج می آیه چون مواد خام نداریم در اینجه.

ک: در یک بوتل ارزش مصرفی که شما متحمل میشوید، در یک کارتن، چند فیصدش، مصرف یک بوتل چقدر است؟ یا دوازده بوتل ره چقدر پول می دهید؟ یک بوتل ره چند می خرید، سرپوشش ره چند می خرید؟

APrivateKabul180718: در کل بوتل در خانه های 14 الی 15 افغانی میشه. کارتنشه 30 افغانی می خریم. موادی که جور میشه این هم علیحده اس. آنرا بخش فروش ارزیابی می کنند. آنها می فهمند که چند تمام میشه.

ک: سهم چی بیشتر است در اینجه؟ سهم مواد خام داخلی بیشتر است یا [مداخله]

APrivateKabul180718: هیچ چیزی داخلی استفاده نمی کنیم. یگانه چیزی که است نمک است و آب، که از افغانستان استفاده میشه و خودما داریم. متاسفانه دیگه چیزی نیست، کلش از خارج می آیه.

ک: چند می خرید مواد خامه؟

APrivateKabul180718: هر کدامش نرخ های علیحده داره. تقریبا 13، 14 قلم است در او کار میشه. هر کدامش نرخ های متفاوت است.

ک: منظور این بود که در یک کارتنی که شما تولید می کنید، مصرف تولید، پرداخت به مواد خام، چند فیصدش موادیست که شما از همینجه می خرید [مداخله]

APrivateKabul180718: ده حدود شاید 30 فیصدش بیایه. هدف شما از داخلی چی است؟

ک: منظورم مواد خامی که از پارک های صنعتی شما می گیرید، درست؟

APrivateKabul180718: صد فیصد از همینجه می گیریم. آنها وارد می کنند ما می گیریم از آنها. اگر هدف شما این باشد که در همین عرصه ی تولید چند فیصدش در داخل افغانستان تولید میشه، تولیدش تقریبا بوتل همینجه تولید میشه، کارتنش همینجه تولید میشه، لیبلش همینجه تولید میشه، همین چند چیزی اینجه تولید میشه. دیگرش مواد خام است، پروسسش اینجه میشه که به مایع تبدیل میشه [مداخله]

ک: همین ره می خواستم بفهمم که در همین تناسب، مصرف بوتل و کارتن و چیزهای که در همینجه تولید میشه، در پارک های صنعتی، این چقدر است؟

APrivateKabul180718: شاید 50 فیصد شوه. 50 فیصد در اینجه، 50 فیصدش از خارج.

ک: ماشین آلاتی که دارید به درد کدام تولید دیگر هم می خورند یا فقط به درد [مداخله]

APrivateKabul180718: نی!

ک: این طور هم شده که تولید کرده باشید و در گدام باقی مانده باشه و به فروش نرسیده باشه؟

APrivateKabul180718: چون ما قبلا گفتم که ما مارکیت سگمنتیشن خوده داریم، کجا چقدر می آیه، از روی همو ما تولید خوده می کنیم.

ک: رقابت با رقیب های خارجی ره چی رقم تعریف می کنید؟

APrivateKabul180718: ما رقابت اساسی که داریم همراه برندهای ایرانی است، ترکی است و عربی است. ما همراه همین ها رقابت داریم. گرچه که ذهن اساسی مردم اکثر همین ره ترجیح می دهند که مواد خارجی استفاده شود، از تولید وطن نمی خواهند آن قدر استفاده کنند. چون، ما یگانه مشکلی که داریم به حساب تضمین کیفیت و این ها را ما نداریم در داخل کشور که یک مارکی ره به ما بده که این جنس ره ما به حساب معاینه کردیم و هیچ مشکلی نداره. ما در مشکل همین مواجه هستیم که یک هموطن ما در پُشت لیبل ببینه که همین مارک است، آن ره چشم پت بخره و بگویه "این مال استندرد است". همین چیزه ما نداریم فعلا.

ک: بازاریابی تان بیشتر به چی شکل صورت می گیره؟

APrivateKabul180718: بازاریابی ما یکی به اساس سوشل میدیا [SOCIAL MEDIA] است که کار می کنیم. دیگه مستقیم می رویم به جاهایی که می فهمم می خرند، ده دوکانشان میره مارکیترهای ما، گپ می زنند و باز توزیع می کنند.

ک: بیشتر به چی شکل است؟ از طریق سوشل میدیا است یا از طریق؟

APrivateKabul180718: نی از طریق رو در روی است.

ک: سیاست نوآوری تان چی رقم است؟ در قسمت ظاهر تولیدات یا [مداخله]

APrivateKabul180718: ما در قسمت پیکنگ خیلی کوشش کردیم. نوآوری ما این بوده که کشور، به کلگی معلوم است که اقتصادی مردم خیلی پایین است. ما یک نوآوری که داشتیم یک فورمولیشن فور این ون [four in one formulation] ره جور کردیم.

ک: فورمولیشن فور ان ون؟

APrivateKabul180718: بله. قسمی که چهار کار ره همو یک فورمول می کنه. مثلا کالاشویی می کنه، همه به دست می توانه هم به ماشین های اتوماتیک، و می توانه همراهشان ظرف هایشانه بشویند، و بتوانند همراهشان البسه یا کالایشانه بشویند و می توانند همرایشان فرش، قالین، گلیم و این چیزهایی که است، او ره هم بشویند. که هم از نگاه اقتصادی و هم از نگاه کیفیت و قیمت برایشان ارزان تمام میشه.

ک: این نوآوری ره کی کردید؟

APrivateKabul180718: این نوآوری ره تقریبا یک سال میشه که کردیم

ک: مسولش کی بود، کسی همین نوآوری به ذهنش رسید؟

APrivateKabul180718: در کل دیگه همین ده نفری که می گوییم، هر کس سهم بارزی داشته در اینجه. خصوصا کس هایی که فورموله جور می کنند.

ک: حد اوسط شما در 24 ساعت چند ساعتش ره وقف کار می کنید بالاش شرکت؟

APrivateKabul180718: شخصا خود یا کارگرها؟

ک: شما!

APrivateKabul180718: از ده ساعت بیشتر نمیشه. از هشت الی ده ساعت.

ک: کارگرها چند ساعت؟

APrivateKabul180718: هشت ساعت است.

ک: بعد از این که این شرکت ره تاسیس کردید، وارد کدام کار دیگری هم شده اید؟ کدام سرمایه گذاری دیگری هم کرده اید؟

APrivateKabul180718: تا فعلا نکرده ام.

ک: سوال آخر همین که در اول به شما یک انگیزه ای دست داد که افغانستان خودکفا شوه و مثلا [مکث] چی وقت تصمیم گرفتید که از کار تجارت آمدید به کار صنعت؟ همو انگیزه ای که یک صبح برخاستید، یک فکری ده ذهنتان رسید، گفتید که میروم.

APrivateKabul180718: این سوالتانه قبلا جواب داده ام. باز هم تکرار می کنم که مه محصل بودم. ده سمستر دو مبانی اقتصادی می خواندیم که عرضه و تقاضا ره استاد تعریف کرد گفت که بعضی کشورهایی به خودکفایی اقتصادی می رسند که خودشان.

ک: اما همین کورس ره چندین نفر دیگر هم گرفت، درست؟

APrivateKabul180718: لیکن از همینجه... بعد از همو برایم انگیزه پیدا شد که "چی باید کنم، چی باید کنم". اولین کاری که میشه، اول می بینی که چقدر مه پول دارم. بعدا پول خوده دیدم و به هرجایی که می رفتم می دیدم که هیچ کافی نبود این کار ره شروع کنم. باز بالآخره آمدم دیدم یگانه سکتوری که بتوانم شروع کنم با پول کم همین سکتور است.

ک: شما قبلا شوینده وارد می کردید؟

APrivateKabul180718: نخیر نی. هیچ کاری نکردیم در این قسمت.

ک: دوکان داشتید قبلا؟

APrivateKabul180718: [بله] دوکان داشتم.

ک: دوکان چی بود؟

APrivateKabul180718: دوکان بنجاره بود.

ک: تشکر!